



دانشگاه هرمزگان
وزارت آموزش و پرورش
اداره کل آموزش و پرورش استان هرمزگان
مدیریت آموزش و پرورش شهرستان میناب



الگوهای کنترل رفتار پر خاشگروانه در مدارس

آسیه پیروز

کارشناس آموزش ابتدایی

چکیده

از اواخر دهه ۵۰ قرن بیستم میلادی که دانشی به عنوان علوم شناختی پدید آمد و نگاه محققان به ذهن، معطوف به بررسی بازنمایی های ذهنی و نحوه پردازش آنها شد، این دانش میان رشته ای در بسیاری از ابعاد زندگی اجتماعی از جمله آموزش و پرورش ورود کرده است. از گذشته نه چندان دور، آموزش و پرورش ما به صورت آموزش و پرورش رفتاری بوده است و در آن براساس خط تولید به دانش آموزان نگاه شده است، به گونه ای که در این رویکرد به افراد به شکل یک سیستم مبتنی بر محرک و پاسخ، ورودی و خروجی، مشابه یک سیستم کارخانه برخورد شده است. در این سیستم، ابتدا یک سری سرفصل ها و کتب درسی بدون توجه به استعداد و مهارت های هر فرد در مقاطع مختلف تحصیلی مشخص شده و همه دانش آموزان بر اساس آن سنجیده می شوند، در صورتی که در آموزش و پرورش شناختی که اکنون کم و بیش در بسیاری از کشورها به کار گرفته شده است، هدف اصلی به واقع تفاوت های فردی، پرورش و شکوفا کردن توانایی های درونی افراد است. در حال حاضر، در کشور ما رویکرد شناختی با درصد کمی در مقطع ابتدایی در حال پیاده سازی است، در حالی که باید به تمامی بخش های آموزش و پرورش تسری داده شود.

واژگان کلیدی: آموزش شناختی رفتاری، مدارس، الگوهای نوین.

مقدمه

اختلال هراس اجتماعی^۱ یکی از شایع ترین اختلال های کودکی و نوجوانی است. این اختلال در ۱/۱ درصد تا ۳/۷ درصد از جمعیت کلی کودکان و نوجوانان دیده می شود و بین ۳ تا ۱۳ درصد در جمعیت بزرگسالان گزارش شده است (استفان و هافمن^۲، ۲۰۱۰). بطورکلی این اختلال در کودکان به عملکرد تحصیلی ضعیف و مشکلات روانشناختی مانند افسردگی و سوءمصرف مواد منجر می شود (ایزگیگ و دوغان^۳، ۲۰۱۱). افزون بر این نوجوانان مبتلا به هراس اجتماعی در خطر ناپختگی اجتماعی قرار دارند؛ اختلالی که درماندگی و اجتناب از روابط اجتماعی را در پی دارد و می تواند به نارساکنش وری اجتماعی و روانشناختی و حتی بروز شخصیت اجتنابی در بزرگسالی منتهی شود. این اختلال در کودکان با نشانه هایی مانند کمرویی افراطی، کناره گیری از تماس با دیگران، عدم تمایل به بازی گروهی ظاهر می شود. انجمن روانپزشکی امریکا^۴ (۲۰۱۳) اختلال هراس اجتماعی را یک الگوی پایدار ترس های اجتماعی می داند. از طرفی پژوهش ها نشان می دهد که از جمله مشکلات مبتلایان به اختلال هراس اجتماعی، پایین بودن کفایت اجتماعی (نیکدل، ۱۳۹۴) و پذیرش خود (کاظمی، ۱۳۹۳) در این افراد می باشد. به عبارتی دانش آموزان مبتلا به اختلال هراس اجتماعی به دلیل فشارها و مشکلات متعددی فردی و بین فردی از عزت نفس و پذیرش کامل خود پایین تر و نیز احساس اعتماد و پویایی ضعیف تری برخوردارند که این خود موجب تاب آوری، خودپنداره و سلامت فردی و بین فردی پایین تر در این افراد می شود (نجفی، ۱۳۹۱). کفایت اجتماعی توانایی عملکرد انسان در اجرای استقلال شخصی و مسئولیت پذیری اجتماعی است. همچنین کفایت اجتماعی پایه و اساسی برای گسترش طیفی از پیامدهای مطلوب از قبیل اعتماد به نفس، رفاه اجتماعی، کیفیت دوستی، مسئولیت پذیری جنسی،

۱ social pobia

۲ Stefan & Hofman

۳ Izgic & Dogan

۴ American Psychiatric Association